

چهارشنبه ۶ / ۱۱ / ۱۴۰۰ جلسه ۲۴

موضوع: فقه شعائر / اشکالاتی وارده بر مصادیق تعظیم شعائر / بدعت و استعمالات آن

تعظیم شعائر در کتاب، سنت، اجماع، عقل و بناء عقلایی راجح است؛ اعم از اینکه در بسیاری از موارد واجب است و در بعضی مندوب است و اگر قرار باشد ترک تعظیم شعائر سبب وهن شود، یقیناً تعظیم واجب است.

اشکالاتی وارد شده بر امری که به عنوان تعظیم شعائر شناخته می‌شود.

اشکال اول: بدعت. بعضی از مواردی که تعظیم شعائر شمرده شده، نه تنها تعظیم شعائر نیست بلکه بدعت است.

اشکال دوم: اینها سر از خرافه در می‌آورد.

اشکال سوم: اینها وهن دین، یا متدین و یا زمینه‌ساز استهزاء دین و متدین است و کار جایزی نیست. لذا بسیاری از این تعظیم شعائرها حرام می‌شود.

استعمالات بدعت

روایت اول: در تحف العقول امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند **أما السنة فسنه رسول الله صلى الله عليه وآله. وأما البدعة فما خالفها**^۱، هر چیزی که با سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) منطبق نباشد و مخالف سنت باشد.

روایت دوم: مرحوم رضی در کتاب خصائص الائمه (علیهم السلام)، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند **لا ترجعوا بعدی کفاراً مرتدین تناولون الكتاب علی غیر معرفه، وتبتدون السنه بالاهواء، وکل سنه وحديث وكلام خالف القرآن فهو زور وباطل**^۲. بعد از من به عنوان کافر مرتد رجوع نکنید (کافر مرتد نشوید). کتاب را بدون شناخت تأویل می‌کنید. از روی هوای نفس و یا به سبب هوای نفس بدعت در سنت ایجاد می‌کنید. هر سنت و امر و کلام جدیدی که با قرآن مخالفت و منافات داشته باشد، رد و باطل است.

روایت سوم: متقی هندی (عالم سنی) در کنز العمال جلد اول حدیث ۱۱۱۹، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند **لا یذهب من السنه شیء حتی یظهر من البدعه مثله، در مقابل هر سنتی معمولاً یک بدعتی می‌آید. حتی تذهب السنه و تظهر البدعه، گاهی تا جایی پیش می‌رود که سنت می‌رود و بدعت می‌ماند. حتی یتوفی البدعه من لا یعرف السنه، بدعت، کسی را که سنت شناس نباشد فرا می‌گیرد. فمن احیا میتاً من سنتی قد امیتت، اگر کسی نسبت به سنت من میت است و سنت برای او میرانده شده، این شخص را زنده کند. کان له اجرها و اجر من عمل بسنّه من غیر أن ینقص من اجورهم شیئاً و من ابدع بدعتاً کان علیه وزرها و وزر من عمل بها لا ینقص من اوزارهم شیئاً.**

۱. تحف العقول، ابن شعبه الحرانی، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲. خصائص الائمه (ع) (خصائص امیر المؤمنین)، السید الشریف الرضی، ج ۱، ص ۷۵.

روایت چهارم: کتاب البدعه، از ابی بصیر از امام باقر (علیه السلام) است و مرحوم شیخ مفید در امالی این روایت را نقل کرده‌اند و **عن ابی بصیر عن ابی جعفر الباقر علیه السلام قال: «لما حضر النبی صلی الله علیه و آله و سلم الوفاء، نَزَلَ جبرائیل، فقال له جبرائیل: یا رسول الله، هل لك في الرجوع؟ قال: لا، قد بلغتُ رسالات ربی، ثم قال له: یا رسول الله أترید الرجوع إلى الدنيا؟ قال: لا، بل الرفیق الأعلى، ثم قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم للمسلمین، و هم مجتمعون حوله: أيها الناس أنه لانیبٌ بعدی، ولا سنّة بعد سنتی، فمن ادّعى ذلك فدعواه وبدعته فی النار...»**^۳.

روایت پنجم: امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید **وَأَمَّا أَهْلُ السُّنَّةِ فَأَلَمْتُمْ سَكُونًا بِمَا سَنَّهُ اللَّهُ لَهُمْ وَ رَسُولُهُ وَ إِنْ قُلُوا وَ أَمَّا أَهْلُ الْبِدْعَةِ فَأَلَمُوا خِلْفُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ لِرَسُولِهِ الْعَامِلُونَ بِرَأْيِهِمْ وَ أَهْوَائِهِمْ وَ إِنْ كُتِرُوا وَ قَدْ مَضَى مِنْهُمْ الْقَوَجُ الْأَوَّلُ وَ بَقِيَتْ أَفْوَاجٌ وَ عَلَى اللَّهِ قَبْضُهَا وَ اسْتِصَالُهَا عَنْ جَدَدِ الْأَرْضِ؛** گروه اول از اهل بدعت گذشتند (یعنی سقیفه که هر کاری می‌خواستند، کردند). و بقیه افواج، هنوز گروه‌هایی باقی ماندند.

روایت ششم: امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج‌البلاغه می‌فرماید **أَنْ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ هُدًى وَ هَدًى فَأَقَامَ سُنَّةَ مَعْلُومَةٍ وَ أَمَاتَ بِدْعَةَ مَجْهُولَةٍ وَ إِنْ السُّنَنُ لَنِيْرَةٌ لَهَا أَعْلَامٌ وَ إِنْ الْبِدْعُ لظَاهِرَةٌ لَهَا أَعْلَامٌ وَ إِنْ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ جَائِرٌ ضَلَّ وَ ضَلَّ بِهِ فَأَمَاتَ سُنَّةَ مَأْخُوذَةٍ وَ أَحْيَا بِدْعَةَ مَتْرُوكَةٍ؛** سنت‌ها روشن و نورانی هستند. لها اعلام، علامت‌ها و نشانه‌هایی دارند. و أن البدع لظاهرة لها اعلام، بدعت‌ها هم روشن هستند و نشانه‌های دارند. و إن شر الناس عند الله امام جائر ضل به، امام جائری که گمراه است و به خاطر او دیگران هم به گمراهی می‌افتند.

علت انتخاب این روایت این است که می‌فهماند که نه تنها نباید بدعت‌گذار باشیم، بلکه باید در مقابل بدعت ایستادگی کنیم.

پس یکی از اشکالاتی که بر بحث تعظیم شعائر گرفته شده، این است که می‌گویند سر از بدعت درآورده و بدعت حرام است. ما می‌گوییم اگر بخواهیم ملاک‌هایی برای بدعت پیدا کنیم، باید ۳ خصوصیت را با هم داشته باشد تا به چیزی بگوییم بدعت.

نشانه‌های بدعت

خصوصیت اول: در انجام آن عمل قصد تشریع داشته باشیم که اصطلاحاً به آن می‌گویند افترا بر خدای متعال و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم). قرآن می‌فرماید **﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ لِنَفْسِنَا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ؛ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ﴾**^۴.

خصوصیت دوم: نص خاص شرعی که بر آن عمل صحه نگذارد.

۳. البدعه، الباقری، الشیخ جعفر، ج ۱، ص ۱۸.

۴. نهج البلاغه، فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، ج ۳، ص ۵۲۶، خطبه ۱۶۲.

۵. سوره نحل، آیه ۱۱۶.

خصوصت سوم: نص عام شرعی بر آن عمل صحه نگذارد، مثل زنجیرزنی. گاهی نص خاص نداریم اما نص عام داریم. آیا هدف در زنجیرزنی افترا بر خدای متعال و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است؟ خیر. نص عام یعنی هر کاری که موجب احیاء سنت و اظهار حالت رنج و اندوه شود.

بخشی به عقل و تجربه خود بشر واگذار شده، به علاوه اینکه اصل اولیه در اشیاء اباحه و برائت و حلیت است، پس باید خلاف و حرمتش ثابت شود. بعضی از سنی‌ها افراط در بدعت داشتند اما اشکالی که آقایان کردند، این است که می‌گویند شعائر حسینی در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) معهود نبوده و شما اینها را آورده‌اید.

عنوان اول: ایشان در صفحه ۱۹۲ می‌فرمایند بدعت به معنای غش و ضلال و اتباع اهواء شمرده شده است. مثلاً متقی هندی در کنز العمال از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند که **من غش امتی فعلیه لعنه الله و الملائکة و الناس أجمعین، قالوا یا رسول الله و ما الغش؟ قال (ص) أن یبتدع لهم بدعة فیعلموا بها.**

عنوان دوم: مرحوم علامه مجلسی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کنند که **إن أحسن الحدیث کتاب الله، وخیر الهدی هدی محمد، و شر الأمور محدثاتها، و کل محدثة بدعة، و کل بدعة ضلالة.** وکان إذا خطب قال فی خطبته: أما بعد. فإذا ذکر الساعة اشدت صوته واحمرت وجنتاه ثم یقول صبحتکم الساعة أو مستکم.^۶

محدثه یعنی چیزی که اصلش در دین نبوده و هر گونه بدعتی ضالالت است.

عنوان سوم: اتباع هوا است. تفسیر علی بن ابراهیم جلد ۲ صفحه ۴۶ از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند **﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾**.^۷ حضرت (علیه السلام) می‌فرمایند هم النصاری و القیسون (کشیش‌ها) و الرهبان (راهب‌ها) و اهل الشبهات و الاهواء من اهل القبلة و الحروریه و اهل بدع.

در مورد بدعت گفته‌اند بدعة ادنی مراتب کفر و شرک است. عن امیرالمؤمنین (علیه السلام) أنه قال و أدنی ما یكون به العبد کافرا من زعم أن شیئاً نهی الله عنه أن الله امر به و نصبه دیناً یتولی علیه و یزعم أنه یعبد الذی امره به و إنما یعبد الشیطان.

حلبی از امام صادق (علیه السلام) پرسید ما ادنی ما یكون به العبد کافرا، کمترین چیزی که سبب کفر می‌شود چیست؟ فقال أن یبتدع شیئاً یتولی علیه، همین را به عهده بگیرد و برای خودش قرار بدهد. و بیرء ممن خالفه، و بگوید هر کس با چیزی که من گذاشتم مخالفت کند از او بری هستم. امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند ادنی الشرک أن یبتدع الرجل رأياً فیحب علیه فیغض. بدعت چیزی است که از دین نیست و به دین چسبانده شده است.

اولاً تسنن نقل کرده‌اند که عمر وارد مسجد شد و دید مردم شب‌ها نمازهای نافله را به صورت فردی می‌خوانند و گفت دوست ندارم اینگونه جدا جدا نماز بخوانید و به جماعت بخوانید و برایشان امام جماعت گذاشت و شب بعد همراه دومین مدعی خلافت وارد

۶. بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، العلامة المجلسی، ج ۲، ص ۳۰۱.

۷. سوره کهف آیات ۱۰۳ و ۱۰۴.

مسجد شد و وقتی دید مردم به جماعت نماز می خوانند، گفت: نعم البدعة هذه، عجب بدعتی است این بدعت. ما به تسنن می گویم که مدعی دوم خلافت واژه بدعت را به کار برده است. این، سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هم نبوده و بدعتی نیست که از مفهوم سنت بر یک مصداقی منطبق شده باشد، بلکه در مقابل سنت است.

شاهد این مطلب این است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این مورد نظراً کاملاً مخالف دارند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بر اینکه انسان در ماه رمضان نافله شب را به جماعت بخواند، بدعت نامیدند. در بین سنی ها به این نافله می گویند صلات تراویح.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند **صوم شهر رمضان فريضة و القيام في جماعة في ليلة بدعة**^۸، قیام در جماعت در شب (نافله شب) بدعت است. و ما صليها رسول الله في لياليه بجماعته، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در ماه رمضان حتی یک نماز نافله شب را به جماعت نخواند. و لو كان خيراً ما تركه، اگر کار درستی بود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را ترک نمی کردند. به تعبیر ما لا اقل یک بار می خوانند که بفهمانند کار درستی است. و قد صلى في بعض ليالي شهر رمضان أما وحده فقام قوم خلفه، یک عده پشت سر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ایستادند. فلما احس بهم دخل بيته، وقتی حضرت (علیه السلام) این احساس را کردند زود از مسجد به منزل رفتند. ففعل ذلك ثلاث ليال، تا ۳ شب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) این کار را کردند. فلما اسبح بعد ثلاث، ۳ شب این اتفاق تکرار شد. سعد المنبر فحمد الله و اثنا عليه ثم قال ايها الناس لاتصل النافله ليلاً في شهر رمضان و لا في غيره فإنها بدعة و لاتصل الضحى فإنها بدعة و كل بدعة ضلالة و كل ضلالة سبيلها إلى النار.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یا ائمه (علیهم السلام) بر بعضی از کارها مصداق بدعت را منطبق کرده اند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) عمل اهل خوارج نهروان را که مخالفت کردند، بدعت نامیدند.

یکی دیگر از مصادیقی که اهل بیت (علیهم السلام) بدعت را بر آن منطبق کردند، ورود در امر قدر و جدال در اموری است که منشأ اختلاف بین مسلمانان می شود. حضرت (علیه السلام) از بین گروهی از مسلمانان رد می شدند ولی در بین آنها مهاجرین و انصار نبودند و در مورد قدر بحث می کردند. «مرأى أمير المؤمنين عليه السلام على قوم من أخلاط المسلمين، ليس فيهم مهاجري ولا أنصاري، وهم قعود في بعض المساجد، في أول يوم من شعبان، وإذا هم يخوضون في أمر القدر، وغيره مما اختلف الناس فيه، قد ارتفعت أصواتهم، واشتد فيه جدالهم، فوقف عليهم، وسلم، فردوا عليه، ووسعوا له، وقاموا إليه يسألونه القعود إليهم، فلم يحفل بهم، ثم قال لهم - وناداهم - :

يا معشر المتكلمين، ألم تعلموا أن لله عبداً قد أسكتهم خشيتُه من غير عيٍّ ولا بكم؟ وأنهم هم الفصحاء البلغاء الألباء، العالمون بالله وأيامه، ولكنهم إذا ذكروا عظمه الله انكسرت ألسنتهم، وانقطعت أفئدتهم، وطاشت عقولهم، وتاهت حلومهم، إعزازاً لله وإعظاماً وإجلالاً،

۸. بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ۹۴، ص ۳۸۱.

فَإِذَا أَفَاقُوا مِنْ ذَلِكَ، اسْتَبَقُوا إِلَى اللَّهِ بِالْأَعْمَالِ الزَّكَايَةِ، يَعْدُونَ أَنْفُسَهُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ وَالْخَاطِئِينَ، وَأَنْهُمْ بَرَاءٌ مِنَ الْمَقْصَرِّينَ وَالْمُفْرَطِينَ، إِلَّا أَنْهُمْ لَا يَرْضُونَ اللَّهَ بِالْقَلِيلِ، وَلَا يَسْتَكْثِرُونَ اللَّهَ الْكَثِيرَ، وَلَا يَدُلُّونَ عَلَيْهِ بِالْأَعْمَالِ، فَهَمَّ إِذَا رَأَيْتَهُمْ مَهَيَّمُونَ، مَرْوَعُونَ، خَائِفُونَ، مَشْفِقُونَ، وَجُلُونَ.^۹

چون در بعضی از امور نباید خوض کنیم و فرو برویم و نباید وارد این بحث شویم چون اینجا لغزشگاه عظیمی است. ولی در بعضی از امور برعکس است. ما ابدالله بشیء بمثل البداء. و إن اجهل الناس بالضرر انتقمهم فی.

یکی دیگر از مصادیق بدعت در **روایات الصلاة خیر من النوم** است که مدعی دوم خلافت بانی آن بود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند **الصلاة خیر من النوم بدعت بنی امیه**. البته می‌گویند ظاهراً مدعی دوم بنای آن را گذاشت و دیگران آن را گسترش دادند. و لیس ذلک من اصل الاذان، این جزء اذان نبوده است. و لا باس إذا اراد الرجل أن ینبه الناس للصلاة أن ینادی بذلک و لا یجعله من اصل الاذان فإننا لا نراه اذاناً، از نظر ما (اهل بیت (علیهم السلام)) این، اذان نیست.

یکی دیگر از مصادیق بدعت اذان سومی است که مدعی سوم خلافت در روز جمعه پایه‌ریزی کرد. امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند **الاذان الثالث يوم الجمعة بدعه**.

یکی دیگر از مصادیق بدعت جدال در قرآن بغیر علم است.

در مقابل مصادیق بدعت اهل بیت (علیهم السلام) تصریح می‌کنند که بعضی از موارد بدعت نیست.

۱- سجده شکر بعد از نماز واجب. حمیری در مورد سجده شکر بعد از نماز از امام زمان (علیه السلام) سؤال کرد که **هل يجوز ان یسجد الرجل بعد الفریضه فإن بعض اصحابنا ذکر أنها بدعه**، فاجاب علیه السلام **سجده الشکر من الزم السنن و اوجبها، لازم‌ترین و واجب‌ترین سنت‌ها است. و لم یقل إن هذه السجده بدعه إلا من اراد أن یحدث فی دین الله بدعه**، هر کس سجده شکر بعد از نماز واجب را بدعت بداند کسی است که خودش می‌خواهد در دین بدعت بگذارد.

۲- جهر به بسم الله الرحمن الرحیم. تصریح کردند که بدعت نیست بلکه از علائم مؤمن است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند **ما لهم قاتلهم الله عمدوا إلى أعظم آیه فی کتاب الله فزعموا أنها بدعه إذا أظهروها وهی بسم الله الرحمن الرحیم**، مخالفین عمداً نسبت به برترین آیه کتاب خدای متعال عمد کردند یک کار عمدی. **فزعموا أنها بدعه إذا أظهروها**، اگر آن را اظهار کنند بدعت است. و **هی بسم الله الرحمن الرحیم**. لذا گاهی در سوره‌ها بسم الله الرحمن الرحیم را نمی‌گویند و اگر هم بگویند آهسته می‌گویند.

آیا آنچه که به عنوان شعائر برگزار می‌شود، بدعت است یا خیر؟ صرف اینکه این اشیاء و کارها در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نبوده و بدعت معنا پیدا نمی‌کند. شاهد این مطلب این است که مثلاً در آن زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای رفت و آمد از هواپیما استفاده نمی‌کردند، یعنی الان که ما از هواپیما استفاده می‌کنیم، می‌شود بدعت؟ خیر. رفت و آمد مصادیقی

۹. البدعة، الباقری، الشیخ جعفر، ج ۱، ص ۶۱.

دارد که عبارتند از: پیاده حرکت کردن، سوار شتر بودن، با ویلچر، دوچرخه، موتور، ماشین و امثالهم است. چطور اینها را بدعت نمی‌گویید؟ هر امر نوینی که در عالم بیاید و مصادقش قبلاً نبوده دلیل بر بدعت نیست.

بعضی از مصادیق عزاداری امام حسین (علیه السلام) به اعتبار اینکه بگوییم از دین است، در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هم بوده و بعضی از مصادیقش بعداً آمده، ولی نه تنها با دین منافات ندارد، بلکه با عناوین عامه دین کاملاً منطبق و محقق آن عناوین است. لذا بدعت نیست و عین سنت است.